



# نشریه دفتر اطلاعاتی جنبش آزادی بخش ملی ایران

شماره اول

اردیبهشت ۱۳۵۰

سال اول

## اطلاعیه

دفتر اطلاعاتی جنبش آزادی بخش ملی ایران بر اساس نیازمندی مرحله گونی جنبش دست به انتشار این نشریه می زند ، تا اخبار و تفسیرهای مربوط به رخداد های جنبش را به بیان صفوف رزمندگان خلق در سراسر کشور ببرد و از این طریق به هماهنگی عملیات ضربتی گروه های مسلح و بهم پیوستگی صفوف گسترده خلق یاری رساند .

دفتر اطلاعاتی جنبش همچنین میکوشد از یکسو در میان صفوف روشنفکران و مبارزین خارج از کشور - با رزم دلورانه خلیف خلق که در پهنه کشور دام گسترده است - همیانی نماید ، و از سوی دیگر شرایط و زمینه های لازم را برای پیوند علی بین آنها بوجود آورد .

این نکته شایان تذکار است که زمان و نحوه انتشار "نبرد" وابسته به امکانات ارتباطی جنبش در درون کشور و نیازمندی های آن می باشد و این خود زائیده شرایط ویژه و امکانات موجود این مرحله جنبش است .

تا زمانیکه جنبش آزادی بخش ملی ایران در حالت پراکنده و بدون داشتن مرکزیت واحد عمل میکند ، دفتر اطلاعاتی جنبش با در نظر گرفتن و حفظ اصول و مضمون اساسی جنبش که ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری فاشیستی محمد رضا شاهی است ، کلیه نظرات ، اعلامیه ها و سایر انتشارات گروه های فعال جنبش را که در چار چوب نبود مسلحانه درون میهن در حال حرکت اند ، منعکس می سازد ، در عین اینکه با طرح نظرات خود بعنوان بخشی از جنبش می گوشت برقع کبوتر های نظری و علی جنبش کک نماید .

## اعلامیه

انقلابیون ، کارگران ، دهقانان ، روشنفکران ، روحانیون آزادیخواه و تنوعده های زحمتکش این سرزمین  
خلق انقلابی ایران بر اثر مبارزات پیگیر و بس طولانی در یافته است که رهشائی از بنده و ستم امپریالیسم جهانی و دست نشاندگان داخلی بسرمداری شاه خائن فقط از راه انقلاب قهرآمیز میسر است .

بدین جهت در تاریخ ۱۹/۱۱/۴۹ در ساعت ۷ بعد از ظهر روز دوشنبه بدستور کمیته مرکزی جنبش آزادی بخش ملی ایران ، به پاسگاه واند ارمری سپاهک واقع در حوزه شهرستان لاهیجان دست بحمله مسلحانه زده شد ، و انقلابیون پس از پیروزی کامل و بختی گزین سلاح های پاسگاه سالم بموضع خود برگشتند .

این عمل آزادیخواهانه بخاطر مسلح شدن توده های انقلابی ایران و آزاد ساختن میهن و رهائی از یوغ امپریالیسم و ارتجاع داخلی انجام گرفته و همچنان ادامه خواهد داشت .

آزادیخواهان ایران ، برای پیروزی جنبش آزادی بخش از امکانات خود استفاده کنید و بر هیولای این خفاش خون آشام از هر سو سره فرود آورید تا دست امپریالیسم را از میهن خود کوتاه سازیم ، بی اختیاریم و بدین ترازان انقلاب ایران را یاری دهیم .

اعمال انقلابی ما نشانه هنده همبستگی آزادیخواهی در شرایط گونی ایران است .

پیروز باد جنبش انقلابی خلق ایران

جنبش آزادی بخش ملی ایران

## رستاخیز

خروش اقیانوس خلق گمنی ناخده ای "جزیره آرام" را بصخره کوفت و بی پایکی ادعای رژیم شاه را نشان داد ، و خلق های جهان دیدند که در اقیانوس متلاطم جهان ، ایران "جزیره آرام" - آنطور که رژیم شاه می پنداشت نیست ، بلکه دریای خروشان است ، و این تازه سرآغاز یک طوفان عظیم است ، که رستاخیز بهار را بدنبال دارد .

گسترش روز افزون نبرد توده های آگاه خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع فاشیستی حاکم ، مشکلات اقتصادی و سیاسی رژیم و تشدید تضاد های درون خود هیات حاکمه - که همه زائیده رشد تضاد های جامعه است - زمینه مساعد رشد پیکار عمومی توده های مردم علیه امپریالیسم و تلاتنی بنیان نظام سلطنت مستبد ، پهلوی را بیش از پیش فراهم ساخته است .

رژیم شاه بپیوسته توسعه اقتصاد ایران را بر رخ مردم میکشد ، امروز بطور آشکار دیده میشود که این " توسعه اقتصادی " نه تنها معرف یک اقتصاد سالم نیست ، بلکه کلیه شواهد موجود گواهی میدهند که این اقتصاد ناسالم در آستانه یک بحران قریب الوقوع قرار گرفته است که در یای زود گریبانگیر رژیم فاشیستی ایران خواهد شد .

بقیه در صفحه ۲

## عملیات ضربتی گروه های مسلح

با رسیدن قوای امدادی پلیس نبرد به شدت بالا میکشد ، بر نتیجه افزایش فوق العاده نیروی پلیس و تند شدن حلقه محاصره ده نفر از دوازده نفر موفق میشوند حلقه محاصره را شکسته و فرار کنند ، از دو نفری که در محاصره پلیس باقی میمانند یکفر برای اینکسبه بدست پلیس گرفتار نشود همانجا خود را میکشد و دیگری مجروح میشود و پس از انتقال به بیمارستان واند ارمری زیر عمل جراحی بشهادت میرسد . سازمان امنیت پس از این واقعه پزشکستان مربوطه را باین دلیل که ممکن است عهد او را بقتل رسانده باشد ، احضار کرده و مورد بازجویی قرار میدهند . روز بعد ، یعنی در ۲۶ فروردین ، شهروانی کل کشور در روزنامه های تهران اعلام میکند که در جریان تیراندازی میان پلیس وونفر از ۹ نفری که تحت تعقیب قرار داشته اند ، یکفر کشته و دیگری دستگیر میشود ، در حالیکه ده روزمنده شهید از ۹ نفر مبارزین تحت پیگرد هستند و نه پلیس موفق میکرد کوچکترین اطلاعی چه در مورد آسمان

بدنبال حادثه سپاهک و حمله رزمندگان مسلح به پاسگاه واند ارمری و قتل بیش از ۷۵ نفر از نیروهای دولتی در جریان نبردهای چند روزه در جنگ های شمال ، عملیات ضربتی گروه های مسلح در نقاط مختلف کشور گسترش یافت و گلانتریه ها ، پاسگاه های واند ارمری و مواضع نظامی یکی پس از دیگری مورد حمله قرار گرفت و مقام برزبانی سلاح به غنیمت برده شد . جنگ های چریکی شهری با بسط این عملیات ، حمله به بانکها و بالاخره با اعدام انقلابی فرسیو بطور روز افزونی اوج گرفته و ابعاد تازه ای یافت ، ما در زیر علاوه بر چاپ آخرین خبرهای مربوط به عملیات ضربتی چریکها ، فهرست وار به سایر درگیری های مسلحانه پس از سپاهک نیز اشاره میکنیم :

- در ساعت ۱۲ شب ۲۵ فروردین یماه یک دسته مسلح دوازده نفری به کلانتری ۱۳ واقع در خیابان پامنار تهران حمله میکند . در کیری مسلحانه گروه با نیروهای پلیس یکساعت بطول می انجامد .

بقیه در صفحه ۲

## جاویدان باد خاطر انقلابی رزمندگان سپاهک

دنیاه رستیاخیز

این مشکلات اقتصادی در زمینه سیاسی مشکلات عظیم تری را بدنیال آورده است. برنامه های جدید رژیم یکی پس از دیگری با ورشکستگی روبرو شده و می شود و هیچ یک از آنها نتوانسته است خلق بیدار مبین ما را بفریاد و اراده او را در نبرد با امپریالیسم و ارتجاع قلع گسند.

تضاد بین خلق و امپریالیسم و گماشتگان بوی آن روز بروز شدید تر میشود و در نتیجه تشدید این تضاد اختلاف بین جناحهای هیات حاکمه ایران نیز بر سر چگونگی اداره امور سیاسی بروز کرده است. بخشی از عناصر لیبرال بورژوازی وابسته که خواهان محدود کردن اختیارات مطلق شاه است، با تکیه به سیاست نویسن امپریالیسم و تحمیلات ناشی از آن در جامعه تلاش میکند، تا از قدرت سیاسی و فعال مابشائی شاه بکاهد. و این قدرت را از طریق واگذاری آن به دستگاه دولتی، تحت سلطه خود در آورد. این خواست با نظریه سخیف جناح طرفدار سلطنت مستبد در تضاد است. جناح شاه مدعی است که "رهبری فردی و مطلق شاه ضامن بقا" و موجودیت ایران است و ویژگی جامعه ایران در وجود سلطنت است که بالای طبقات قرار دارد و میتواند عدالت بین طبقات جامعه را مراعات و ارشاد کند.

اساس اختلاف و تضاد بین جناحهای هیات حاکمه در واقع بر مبرم مساله چگونگی اعمال تانکیک های محلی نه تربصده جلوگیری از اوج گیری جنبش مردم دور میزند. عده ای که خواهان حکومت دستجمعی نمایندگان بورژوازی انحصاری و زمینداران بزرگ هستند بر این عقیده اند که واگذاری برخی آزادی های بورژوازی و اجرای کنترل جمعی طبقه بر سیاست های دولت مانع ریشه شرایط انقلابی در جامعه میشود و وثیقه بهتری برای حفظ نظام استثمارگر و مستقر موجود است. در برابر این نظریه که حیلله کوی خاص طبقات استثمارگر در آن نهفته است، نظریه شاه و جناح اشرار دارد که سخت پاینده سنت های فاشیستی رایج در جامعه است و جوب و چماق و داغ و دهن در بهترین وسیله حکومت فردی و مستبد خود میداند و معتقد است که واگذاری کوچکترین آزادی های بورژوازی در جامعه منجر به از هم پاشیدن نظام استبداد سلطنتی میشود و بیم آن می رود که مبارزات ضد ارتجاعی خلق پایه های سلطنت مستبد را از هم بپاشد.

هر چند که اختلاف این جناح ها که همگی دشمن سوگند خورده خلق اند در سطح است و نه در عمق، ولی با وجود این رشد شرايط عینی جامعه و مطالبه بورژوازی جهانی که تنها هدفش سود و فراهم آوردن شرایط لازم و مساعد برای حفظ و توسعه سرمایه گذارهای کلانتری باشد، دیر یا زود برخوردی نهی شاه علیه میکند و چه بسا در صورت درگیری های شدید تر خلق در آینده با هیات حاکمه و امپریالیسم امپریالیسم بمنظور تخفیف و خاموشی اوضاع و حفظ شرایط موجود بقصد فریب خلق میدان عمل وسیعتری به جناح لیبرال بورژوازی بدهد.

بهر حال تمام این کشمکش های خانگی هیات حاکمه که بیشتر جنبه چانه زدنهای فامیلی دارد، به هیچوجه مشکل کنای مسائل جامعه ما نیست و نمی تواند دردی از درد های خلق ما را درمان کند. تضاد های اساسی جامعه ما که تضاد میان خلق ما و امپریالیسم و گماشتگان داخلی اش می باشد طی دو سال اخیر در اثر رشد مبارزات مردم شدت بیشتری یافته و حتی روی تضاد های موقوت هیات حاکمه سایه افکنده است. و شاه با استفاده از این فرصت رژیم فاشیستی خود را بر سایر جناحها تحمیل کرده است و برای مقابله با مبارزه خلق و خواست توده های وسیع مردم همانا به تشدید ترور و اختناق بی سابقه ای در مبین ما دست زده است. سایر برنامه های جدید رژیم برای سرکوب جنبش آزادی بخش ملی و از آنجمله "جنب" روشنفکران بکنج چند تن عنصر خود فروغ و مطرود، در اثر هوشتیاری مردم و خروش دلیرانه مبارزین نقش بر آب شده است. نمایش های پلیسی و سازس دروغ و بلوف رادیسو-تلویزیونی "مقام عالیرتبه امنیتی" و "ستاره ابروکمانی" سازمان ضد امنیت شاه که از سال گذشته مد روز شده بود، اکنون دیگر در محافل داخلی و خارجی بصورت مسخره روز درآمده است.

ثابتی و "مقام عالیرتبه امنیتی" با تمام بدیه و کبکبه و دروغهای شاخه ارض نتوانست از این برنامه های جدید رژیم پلیسی شاه طرفی به بند و جزآنکه رژیم شاه را بی آبروتر سازد. توخالی بودن عرض اندام های سازمان امنیت شاه در باره تسلط کامل بر کبکبه شئون مملکت و عالم الامور بودن اش وقتی روشن شد و بصورت ظلم توخالی از آب درآمد که شدت محکم خلق بروی آن کوفته شد و عیان نشد که در بغل گوش این سازمان ضد امنیت چگونه سربازان فد اکار خلق به دها اقدام انقلابی بی در پیسی طبع دشمنان خلق دست زده اند. و بدین آنکه این سازمان قادر باشد رد پای آنها را بیابد. اقدامات غلطی پیشاهنگان خلق ثابت کرد که نمکرگان سازمان جاسوسی امریکا در ایران افرادی نظیر ثابتهی ها و سازمان مرطبه اش نه تنها در مقابل قدرت و ابتکار خلق عاجز و ناتوانند، بلکه به مالیخولیاوی بزرگ نمائی دچارند. جناب "مقام عالیرتبه" امنیتی" در جریان مصاحبه های رادیسو-تلویزیونی اش همچون لره های دروغ نندیده در برابر باصطلاح تلویزیونی اش مطبوعات داخل و خارج چنان شیفته دروغهای خود شده بود که حتی قدرت تعقل و انتخاب دروغهای ریز و درشت اش را از دست داده بود. این دروغرود ازبها تا بجای رسیده که ابتدا مدعی شد، اکثریت اقرااد شرکت کننده در گروههای سیاسی از عناصر وابسته سازمان امنیت اند و این سازمان از کور-چکترین حرکت این گروهها مطلع است. بعدا که سر قضیه سیاهلگ دید که قافیه تشنه آمده است و نیروهای ضربتی خلق سلاح بدست بیاخته و در باره از روزگار ارتجاع در آورده اند، قافیه را عوض کرد و مدعی شد که شرکت کنندگان در قضیه سیاهلگ عده ای بیش نبودند که ما گرفتیم و لقمه چپ شان کردیم و بدین ترتیب به غائله خاتمه دادیم. درست هنگامیکه ایشان مشغول مصاحبه تلویزیونی و قدرت نمائی بودند در بغل گوش ایشان و سازمان مرطبه شان کلانتری ها یکی پس از دیگری بدست سازمان مرطبه در دست خلق و خلق سلاح بدست و فردای همانروز رئیس قضاصکاهای شاه فرسویو بحکم انقلابی خلق از پای درآمد و روز بعد هم زندگان خلق مبلغ ۳۰۰۰۰ تومان از موجودی شعبه بانک ونک بجزر اسلحه برای صرف مخارج جنبش وصول کردند و بالاخره برخی از احتیاجات جنبش را ۲۴ ساعت بعد از کلانتری آرامگاه و سپس از سایر کلانتریها و یاسگاهها تامین کردند. بی آنکه از خود رد و نشانی بجای گذارند. "مقام عالیرتبه امنیتی" و شاگرد ساهی مکتب سازمان جاسوسی امریکا با مشاهده این وضع مانند "خرد رگل و امانت" و ماشین دروغ سازی اش از کار افتاد. زیرا دیگر نه می توانست مدعی شود که اکثر اقرااد گروههای سیاسی متعلق به سازمان امنیت اند و نه میتوانست بگوید "غائله" خانه یافته است، مگر آنکه قبول می کرد که کلانتری ها را خودشان بخاطر ایام عید "خانه تکانی" کرده اند و موجودی بانک ها را هم برای صرف مخارج شاه و مامورین سازمان امنیت برده اند و فرسویو را بدستور شاه کشته اند. از آنجا که دیگر نه راه پیش و نه راه پس مانده بود، بلند گوهای رژیم بیکاره خفتان گرفتند و پس از چند روز سکوت مرکب و ناگهان در باره رخدادها اظهار نظر کردند. و اظهار نظری نشاندهنده اوج بلاهتشان بود. آنها وقتی دیدند که قضیه بیخ پیدا کرده و ممکن است در روحیه مردم تاثیر بزرگی بر طبقه رژیم بگذارد - که گذشت - برای کوچک جلوه دادن دامنه جنبش خلق، مدعی شدند که تمام عملیات اخیر از جانب و تن افراد فراری گروه سیاهلگ انجام گرفته که تحت تعقیب مقامات امنیتی کشورند. با این حرف میزان شعور و درایت پلیسی خود را بر ملا ساختند. ثابت کردند که "قاتلای فرنگی نماهای" سازمان امنیت در بلاهت دست آچان های مختاری از پشت بسته اند. و سخت تحت تاثیر فیلمهای "جیمز باند" و سایر محصولات افسانه ای ساخت امریکا هستند. آخر چگونه و نفر "فراری" و تحت تعقیب هزاران پلیس میتوانند آزادانه از شمال به جنوب و از جنوب به مغرب و از مغرب به مشرق بروند و در سرتاسر استانهای کشور پهنای نظیر ایران مانند رستم زال، شبح وار در کشت و در باشند.

و بی انگا به نیروی مردم در فاصله کوتاهی متجاوز از ۲۵ عمل انقلابی انجام دهند و ضمن بنفیت گرفتن مقامات بر متناهی سلاح و از پای در آوردن نه ها عنصر سازمان پلیسی و جاسوسی، بدون آنکه حتی یک نفر از آنها دیده شود و یا بدست پلیس گرفتار شود و راست راست راه بروند و همچنان بعملیات انقلابی خود ادامه دهند.

گروههای مسلح خلق با ابتکارات و اقدامات جسورانه در سربازای وجود مرتجعین وحشت انداخته اند. روزی نیگارد که افراد مسلح خلق در نقاط مختلف کشور با عملیات ضربتی خود، بپزه سازمان امنیت و سایر دستگاههای پلیسی شاه را باخاک نمانند و ماهیست "قول پای گین" بودن دستگاههای امنیتی شاه را برملا نمازند. پس از رخداد های اخیر کویس رسوائی دستگاههای پلیسی و تبلیغات تی رژیم شاه بر سر هر کویچه و بازاری به نوا درآمد و مردم در یافتند که این نظام پلیسی سخت زخم بردار است. پیروزی بزرگ انقلابیون ایران بیخ سکوت را شکست و شوری نوین در جامعه دمید.

علیرغم تشدید فشار و ترور و اختناق بیسابقه در سراسر کشور مردم ما مبارزه خود ادامه میدهند و رژیم فاشیستی شاه باید بداند که تشدید جنایت و دستگیری هزاران مبارز خلق نمیتواند کوچکترین خللی در اراده و رزمجویی توده های مردم بوجود آورد. خلق ما مدتهاست تصمیم تاریخی خود را گرفته و بیا خاسته تا به نظام خشن استبدادی سلطنتی خاتمه دهد و دست امپریالیسم را از ثروت های بیکران مبین ما کوتاه کند. پس از حوادث اسفند ۴۸ که در واقع سرفراز مرحله تازه ای از درگیری خلق با رژیم بود و جنبش آزادی بخش ملی ایران، تدریجاً نیرو های نوینی را از صفوف طبقات و اقشار مختلف خلق در برگرفت. مبارزه وسیع مردم بر طبقه سرمایه گذارهای امریکا و ممبر و آذر دانش آموزان و دانشجویان، اعتراض دستجمعی هنرمندان و نویسندگان و سایر روشنفکران به اوضاع موجود و بالاخره واقعه سیاهلگ که تبلور برجسته این مرحله از مبارزه خلق است و رخداد های پس از آن همه و همه نشان داد اوم جنبش مردم است. در حال حاضر جنبش آزادی بخش ملی ایران در بزرگترین و نیروهای عظیمی از طبقات و اقشار خلقی است. کار کار گرفته تا روشنفکر، روحانی، دهقان و دانشجو همه در یک صف واحد در مقابل امپریالیسم و حکومت دست نشانده اش به مبارزه برخاسته اند. طبقات و اقشار خلقی مبین ما پس از طی مبارزات سابقان اخیر، امروز در زیر شعار سرتوگونی نظام فاشیستی موجود و بیرون راندن امپریالیسم از ایران، در راه بیکاری عظیم گام بر میدارند.

دنیاه  
عملیات ضربتی  
گروههای مسلح  
و چه در مورد سایر زندگان بدست آورد. در جریان این نبرد یک پاسبان بقتل میرسد و عده ای مجروح میشوند.  
در خراسان  
در سه هفته گذشته گروههای مسلح دوباره به پاسگاه واند امرومی اطراف مشهد حمله میکنند و سلاحهای آنها بدغیبت می برونند یکی از این دو پاسگاه، "پاسگاه شاه تقی" است. حمله پس "پاسگاه شاه تقی" که در دوراهی مشهد - تربت حیدریسه و مشهد - نیشابور قرار دارد و از پاسگاههای مهم منطقه بشمار میرود نمودار در قتل و وسعت دامنه عملیات گروههای مسلح است.  
گروههای مسلح چریک در خراسان همچنین به کلانتری های تربت حیدریه و دره کز حمله کرده و پس از خلع سلاح کامل با موفقیت و بدون باقی گذارین رد و نشانی به مواضع خود مراجعت میکنند.  
دو تهران و شهرستانها  
در تهران یک تروه مسلح به پاسگاه خیابان قدیم شمیران - نسرزیک مولن روز - حمله کرده و علاوه بر بقا آری سلاح دستگاه بیسیم پاسگاه را نیز بدغیبت میرسد.  
بقیه در صفحه ۴

خلق ایران جشن شیاطین را با تش میگذرد

## مشت نمونه خروار است

در جریان اعتصابات سال پیش دانشگاه تهران و سایر دانشگاهها که دانشجویان شرافتمند و مبارز میهن ما علیه بیاد آفرینهای غنی رژیم فاشیستی شاه به اعتراض قانونی برخاسته بودند و چنانکه خوانندگان اطلاع دارند، این اعتراض و اعتصاب منطقی و بوسیله مأمورین سازمان امنیت و پلیس شاه به وحشیانه ترین وضع سرکوب شد و در خیابان شاه نه تنها بد دانشگاه هجوم بردند بلکه تا داخل کلاسهای درس نیز به تعقیب و مضرور کردن دانشجویان پرداختند. در این جریان صدها دانشجو مضرور و دستگیر و روانه زندان و سرپنازخانه شدند. از جمله شادروان مهتدس حسن نیک دودی، فارغ التحصیل دانشگاه پلیسی تکنیک تهران در زیر شکنجه و در خیابان شاه شهید گردید. صورت مستندی را که در زیر میخوانید تنها مربوط به قربانیان دانشگاه پلیسی تکنیک دانشگاه تهران در جریان اعتصابات است. این صورت را که مشتاقان خروار است - در جلوی چشم بپوشم روز نامه های مزدور حکومت فاشیستی شاه در ایران میگیریم، یعنی روزنامه آیندگان، اطلاعات و کیهان و... که بدستور در خیابان شاه نوشته شد فقط معدودی دانشجویان که عوامل خارجی بودند اقتضایات را در این می زدند...

همچنین با انتشار این صورت مستند همه مراجع بین المللی و ارتباط جمعی، مطبوعات و خبرگزاریها، سازمانهای حقوقی و شخصیتهای انساندوست و اعلام میگیریم این یک نمونه کوچک از جنایات فاشیستی شاه ایران است. دانشجویان شرافتمند میهن ما را از پشت میز درس به زندان و زیر شکنجه می برند و به سرپنازخانه ها اعزام میکنند و آنگاه با همه این جنایات با کمال بی شرمی مدعی نهضت مبارزه با بیسوادی میشوند.

### هیبستگی دانشجویان خارج از کشور

#### یا مبارزات خلق

همراه با گسترش مبارزات خلق ما و تشدید جنایات رژیم - فعالیت افشارگانه دانشجویان و روشنفکران مرفق خارج از کشور نیز به مقیاس بیسابقه ای افزایش یافت. کفدراسین جهانی که بخاطر مبارزات پیگیر و پر شور خود علیه رژیم شاه و از طرف داستان نظامی مشمول قانون سیاه ۱۳۱۰ اعلام گردیده بود و علیه رژیم این اعلام و سایر توطئه ها و فشارها نه تنها از مبارزه خود بازماند بلکه قاطع تر و یکپارچه تر از هر زمان همیائی و همسوئی خود را با جنبش خلق نشان داد. اعتصاب غذا، مصاحبه ها، کفرانها و تظاهرات متعدد دانشجویان تحت رهبری کفدراسین جهانی نشان دهنده باز این همیائی و همسوئی و تاثیر آن در جلب حمایت افکار عمومی مرفق جهان است.

روز ششم ماه مه بمنظور دفاع از مبارزات جنبش آزادی بخش ملی ایران، بزرگداشت و لایروبی رژیم کان سیاهگن و اعتراض به جنایات رژیم و مبارزه بخاطر تشکیل دادگاه غنی با شرکت ناظرین خارجی برای ۵۰ مبارزی که ماههاست در شکنجه گاههای رژیم بسر می برند و از طرف کفدراسین جهانی تظاهرات و اکیون هائی همزمان در اروپا و آمریکا ترتیب داده شد. در آلمان روز ششم ماه مه یک مارش در کیلومتری در فرانکفورت (آلمان غربی) ترتیب داده شد که در آن بیش از سه هزار دانشجوی ایرانی و خارجی شرکت داشتند. مارش با یک کفرانس عظیم که در آن نمایندگان سازمانهای مرفق، از جمله سازمان دانشجویان فلسطین نمایندگان مطبوعات و رادیو و تلویزیون شرکت داشتند و پایمان یافت. در کفرانس حقوق دانان خارجی که در دادگاههای نظامی ایران بعنوان ناظر بین المللی حضور داشته اند بطور مفصل به مساله شکنجه زندانیان سیاسی، اختناق در ایران و جنایات رژیم اشاره نمودند. علاوه بر این بسیاری از روسای دانشگاهها، شخصیتها و سازمانهای مرفق جهان طی تلگرافها و پیامهایی که کفرانس مخابره کردند و پشتیبانی خود را از مبارزات خلق ما و دانشجویان آن اعلام داشتند.

از جمله پیامهای رسیده و پیام جبهه آزادی بخش فلسطین " فتح " از بیروت بود که تلفظی به فرانکفورت مخابره گردید. روزهای ششم و هفتم ماه مه نیز کفرانس و تظاهرات مشابهی با شرکت در حدود چهار هزار نفر در برلین غربی ترتیب داده شد. در نتیجه مبارزات افشارگانه دانشجویان ایرانی در خارج در جلب حمایت و همبستگی وسیع نیروهای ضد امپریالیست جهان نسبت بقیه در صفحه ۴

| ردیف | نام و شهرت                 | تاریخ و محل تولد | تاریخ تحویل بسرپنازخانه | دانشگاه           | وضع تحصیلی        | طرح محرومیت از تحصیل |
|------|----------------------------|------------------|-------------------------|-------------------|-------------------|----------------------|
| ۱    | جواد مبینی تهرانی          | ۱۳۲۴ شیراز       | ۴۸ / ۱۲ / ۲۶            | پلی تکنیک تهران   | سال ۴ مکانیک      | اعتصابات دانشگاه     |
| ۲    | منوچهر صنعتی               | ۱۳۲۸ رفسنجان     | ۴۸ / ۱۲ / ۲۶            | "                 | سال ۳ برق         | "                    |
| ۳    | علی معصومی                 | ۱۳۲۷ اراک        | ۴۹ / ۱ / ۱۰             | "                 | سال ۳ مکانیک      | "                    |
| ۴    | محمد رضا باقری کرگانی      | ۱۳۲۷ مشهد        | ۴۹ / ۱ / ۱۱             | "                 | سال ۳ ساختمان     | "                    |
| ۵    | صفر علی اسلامی             | ۱۳۲۶ کرگان       | ۴۹ / ۱ / ۱۵             | "                 | سال ۳ برق         | "                    |
| ۶    | محمد صادقی صالحی نجف آبادی | ۱۳۲۷ نجف آباد    | "                       | "                 | "                 | "                    |
| ۷    | علی اصغر کرمانیان زبازقی   | ۱۳۲۴ سنان        | "                       | "                 | سال ۴ برق         | "                    |
| ۸    | ابراهیم رنجگمان            | ۱۳۲۷ سنندج       | "                       | "                 | سال سوم مکانیک    | "                    |
| ۹    | ابراهیم آل بویه            | ۱۳۲۶ لنگرود      | "                       | "                 | سال سوم برق       | "                    |
| ۱۰   | محمد رضا عطرجیان           | ۱۳۲۹ رشت         | "                       | "                 | سال اول شیمی      | "                    |
| ۱۱   | محمد اسمعیل هندسی          | ۱۳۲۵ رشت         | "                       | "                 | سال چهارم مکانیک  | "                    |
| ۱۲   | علی اکبر صالحی کرجی        | ۱۳۲۵ بهشهر       | "                       | "                 | سال دوم نساجی     | "                    |
| ۱۳   | مرتضی سوریه                | ۱۳۲۷ مشهد        | "                       | "                 | "                 | "                    |
| ۱۴   | ناصر شایان                 | ۱۳۲۵ مشهد        | "                       | "                 | سال چهارم برق     | "                    |
| ۱۵   | محمد باقر طبعی خانی        | ۱۳۲۷ تهران       | "                       | "                 | سال دوم نساجی     | "                    |
| ۱۶   | احمد زاهدی                 | ۱۳۲۹ قم          | ۴۹ / ۱ / ۱۶             | "                 | برق               | "                    |
| ۱۷   | محمد علی برونرسی           | ۱۳۲۶ اصفهان      | "                       | "                 | سال چهارم برق     | "                    |
| ۱۸   | اصغر بوستانی               | ۱۳۲۸ شیراز       | "                       | "                 | سال دوم مکانیک    | "                    |
| ۱۹   | باقر یزدانی داموندی        | ۱۳۲۹ آمل         | "                       | "                 | ساختمان           | "                    |
| ۲۰   | صمد سروج                   | ۱۳۲۸ شیراز       | "                       | "                 | "                 | "                    |
| ۲۱   | اسماعیل خواجه ای           | ۱۳۲۶ خوی         | "                       | "                 | سال چهارم مکانیک  | "                    |
| ۲۲   | میر رسول بنی احمد          | ۱۳۲۸ خوی         | "                       | "                 | سال سوم برق       | "                    |
| ۲۳   | محمد جعفر لطفی             | ۱۳۲۵ تهران       | "                       | "                 | سال چهارم برق     | "                    |
| ۲۴   | عباس کاظمی                 | ۱۳۲۷ آمل         | "                       | "                 | سال دوم برق       | "                    |
| ۲۵   | محمد علی صالحی مشائی       | "                | "                       | "                 | سال دوم ساختمان   | "                    |
| ۲۶   | مهدی وفائی                 | ۱۳۲۵ اصفهان      | "                       | "                 | سال سوم شیمی      | "                    |
| ۲۷   | عبدالحسین محتاجی           | ۱۳۲۷ مشهد        | "                       | "                 | سال سوم ساختمان   | "                    |
| ۲۸   | عبدالعظیم گنجینی           | ۱۳۲۷ دزفول       | "                       | "                 | سال دوم ساختمان   | "                    |
| ۲۹   | عبدالمجید آندی             | ۱۳۲۸ کرمانشاه    | "                       | "                 | سال دوم مکانیک    | "                    |
| ۳۰   | مهدی سپهانی                | ۱۳۲۶ بندر بیلوئی | "                       | "                 | برق               | "                    |
| ۳۱   | امیرحسین خوشبخت            | ۱۳۲۹ تهران       | "                       | "                 | ساختمان           | "                    |
| ۳۲   | جهانبخش صفازاده            | ۱۳۲۵ ساری        | ۴۹ / ۱ / ۲۰             | "                 | سال چهارم برق     | "                    |
| ۳۳   | حسن احمدی رسکی             | ۱۳۲۵ تهران       | ۴۹ / ۱ / ۱۷             | "                 | سال سوم برق       | "                    |
| ۳۴   | حسن مهاجری                 | ۱۳۲۶ شهبور       | ۴۹ / ۱ / ۲۰             | "                 | سال سوم مکانیک    | "                    |
| ۳۵   | علی محمد صداقت آملی        | ۱۳۲۷ آمل         | "                       | "                 | سال دوم مکانیک    | "                    |
| ۳۶   | حسام الدین امام            | ۱۳۲۷ زنجان       | ۴۹ / ۱ / ۲۳             | "                 | سال چهارم برق     | "                    |
| ۳۷   | علی فروزانمهر              | ۱۳۲۷ مشهد        | ۴۹ / ۱ / ۲۴             | "                 | ساختمان           | "                    |
| ۳۸   | رحمن کرامتسی               | ۱۳۲۶ اردبیل      | ۴۹ / ۱ / ۲۶             | "                 | سال دوم نساجی     | "                    |
| ۳۹   | محمد رضا طاهر خرم آبادی    | ۱۳۲۸ خرم آباد    | "                       | "                 | برق               | "                    |
| ۴۰   | محمد مهدی صفائی            | ۱۳۲۷ کرمان       | "                       | "                 | "                 | "                    |
| ۴۱   | محمد حسن رمانی             | ۱۳۲۴ مشهد        | ۴۹ / ۱ / ۳۱             | "                 | سال سوم بسطرق     | "                    |
| ۴۲   | منصور مهاجر                | ۱۳۲۷ تبریز       | ۴۸ / ۱۲ / ۲۱            | "                 | "                 | "                    |
| ۴۳   | عوض محمد پارسا             | ۱۳۲۵ گنبد قابوس  | ۴۹ / ۲ / ۲۰             | "                 | سال چهارم برق     | "                    |
| ۴۴   | سعید محقق منتظری           | ۱۳۲۸ لاهیجان     | ۴۹ / ۲ / ۲۶             | "                 | سال دوم برق       | "                    |
| ۴۵   | محمد رضا گبهر              | ۱۳۲۸ بایسل       | ۴۹ / ۲ / ۲۷             | "                 | سال اول نساجی     | "                    |
| ۴۶   | مسعود فرهنگسک              | ۱۳۲۶ آستارا      | "                       | "                 | سال چهارم مکانیک  | "                    |
| ۴۷   | صمد حسن زاده               | ۱۳۲۷ تبریز       | ۴۲ / ۲ / ۲۹             | "                 | سال دوم برق       | "                    |
| ۴۸   | سلیمان امینری              | ۱۳۲۵ تهران       | ۴۹ / ۳ / ۴              | "                 | سال دوم مکانیک    | "                    |
| ۴۹   | لطف اله مکرسی              | ۱۳۲۵ بهبهان      | "                       | "                 | سال چهارم ساختمان | "                    |
| ۵۰   | محمد علی کابجی             | ۱۳۲۸ اردبیل      | ۴۹ / ۳ / ۱۱             | "                 | سال دوم برق       | "                    |
| ۵۱   | اسماعیل واعظ قاسمی         | ۱۳۲۵ لنگرود      | ۴۹ / ۳ / ۱۴             | "                 | سال چهارم برق     | "                    |
| ۵۲   | حسن مکارمی                 | ۱۳۲۹ شیراز       | ۴۹ / ۲ / ۵              | "                 | سال دوم برق       | "                    |
| ۵۳   | اسماعیل ملک پور            | ۱۳۲۶ تهران       | ۴۹ / ۱ / ۹              | دانشگاه آریامهر   | سال چهارم برق     | کم آوردن نمره!       |
| ۵۴   | خسرویزشکی                  | ۱۳۲۶ تهران       | ۴۸ / ۱۲ / ۲۳            | "                 | "                 | "                    |
| ۵۵   | بهرام عطائی                | ۱۳۲۶ تهران       | ۴۹ / ۱ / ۲۳             | "                 | سال سوم مکانیک    | "                    |
| ۵۶   | محمد رضا بهمن یار          | ۱۳۲۷ کرمانشاه    | ۴۹ / ۱ / ۲۳             | "                 | "                 | "                    |
| ۵۷   | محمد علی شهریار            | ۱۳۲۶ گلپایگان    | ۴۹ / ۲ / ۱              | "                 | "                 | "                    |
| ۵۸   | فرهاد سمسار                | ۱۳۲۶ تهران       | ۴۹ / ۱ / ۲۴             | "                 | "                 | "                    |
| ۵۹   | محمد علی شیان              | ۱۳۲۶ رشت         | "                       | "                 | "                 | "                    |
| ۶۰   | علی اکبر عرب یعقوبی        | ۱۳۲۶ زابل        | ۴۹ / ۴ / ۶              | دانشگاه ملی ایران | سال سوم حقوق      | اعتصابات دانشگاه     |

دنباله علیات ضربتی ...

از جمله پاسگاههایی که در دهفته اخیر مورد حمله گروههای مسلح قرار گرفته اند عبارتند از: کلانتری ه تبریز و چنگس کلانتری در بندر پهلوی است که در همه آنها علیات ضربتی با پیروزی و با خلع سلاح کامل کلانتری ها انجام میگردد .

### ادامه مبارزه مسلحانه در جنگل های شمال

هم اکنون در جنگلهای شمال در اطراف شهسوار - ساری - آمل چریکها بصورت دسته های سه نفری با قوای دولتی در جنگند . در نتیجه حملات چریکها گارد جنگی و زاندرمری از ترس در مسیاری از نقاط جنگلها را ترک کرده اند و این خود باعث شده است که اهالی بومی بتوانند با خیال راحت از جنگلها استفاده کنند .

روزم ایران با تصور از بین بردن امکان استتار چریکها اخیر به از بین بردن برنهای درختان از طریق پخش مواد سمی شیمیائی در جنگلهای شمال دست زده است .

- شایع است که حسین زاده جلاذ ساواک و همچنین رئیس سازمان امنیت آمل مورد حمله قرار گرفته و بقتل رسیده اند .

### برخی از نبردهای مسلحانه پس از سیاهکل

در تاریخ ۲۰ اسفند ماه چریکهای مسلح هلیکوپتر حامل سرتیپ ابراهیمی ثابت فرمانده ناحیه زاندرمری کردستان و سرهنگ حبیب اله فرسه فرمانده هفت زاندرمری سنجند را سرنگون کردند و در نتیجه هردو بقتل میروند و خلبان و تکمیسین هلیکوپتر بشدت مجروح میشوند .

- پس از حادثه سیاهکل گروههای مسلح به یادگان نظامی کرمانشاه حمله کرده و در جریان نبرد چند افسر را بقتل میرسانند .

در نتیجه حمله یک گروه چریک به کلانتری فلهک ( ه فروردین ) یک پاسبان به قتل میرسد . چریکها سلاحهای کلانتری را به غنیمت میبرند و سردر و انومیلیهای کلانتری را آتش میزنند .

در ۱۶ فروردین در نتیجه حمله به بانک ملی شعبه ونسک چریکهای مسلح موفق میشوند سیصد هزار تومان موجودی بانک را با خود ببرند .

### اعدام انقلابی فرسیو

ساعت ۷ صبح ۱۷ فروردین فرسیو جلا به یازده گلوله مسلسل دو چریک از پای در آمد و همانروز بقتل رسید . در نتیجه حمله به کلانتریهای سه راه ضرابخانه و بلوار ناهید یک پاسبان بقتل میرسد . در جریان خلع سلاح کلانتریهای ساری یک افسر و یک پاسبان بقتل میروند . در حمله به کلانتریهای تبریز ضمن خلع سلاح کلانتری ها و درگیری مسلحانه سه پاسبان بقتل میروند و چند افسر زخمی میشوند .

### دنباله همبستگی دانشجویان ...

به مبارزات خلق ما مسائل ایران ، پیروزی در ماههای اخیر به یکی از نکات مهم مورد بحث محافل و مطبوعات جهان تبدیل شده است . مسائل مربوط به بسط مبارزات خلق ما و تشدید اختلاف و تور در ایران تقریباً روزانه در معروف ترین روزنامه های جهان منعکس است .

بدلیل گسترش مبارزه جنبش آزادی بخش ملی ایران و تشدید دیکتاتور فاشیستی شاه حتی روزنامه های ارتجاعی جهان نیز خود را ناچار می بینند به جنایات رژیم ایران و اختلاف روز افزون در کشور ما اعتراف کنند . این واقعیت را انعکاس جنایات رژیم در روزنامه ها و مجلاتی نظیر تایمز لندن ، فیکساروی فرانسه و اشپیل آلمان که از تریونهای بزرگ غرب بشمار میروند بدرستی نشان میدهد .

مستحکم باد همبستگی و همراهستی دانشجویان و روشنفکران خسار از کشور با مبارزات خلق .

## دنباله اخبار

دختران را بلند کرده و بر زمین میزدند و لباسهایشان را پاره کرده ، آنها را با وحشیگری گاز گرفته و با زور میسیدند و سپس بشدت بزیر لگد و باطوم میزدند ، بطوریکه در کتابخانه دانشکده حقوق اگر سایر دانشجویان به کمک نرسیده و به حمله متقابل علیه پلیس دست نمی زدند ، مزدوران جانی رژیم بدون تردید به دخترانی که مشغول مطالعه بودند ، تجاوز هم میکردند .

در جریان این حمله وحشیانه سه پسر و دو دختر دانشجوی کشته میشوند . یکی از استادان دانشکده حقوق بنا بر اظهارات خود بنظر ناظر قتل و تفرقه بوده است .

با وحشیگری پلیس درگیری و زد و خورد بالا گرفت و دانشجویان با هرچه که بدست میآوردند به پلیس حمله میکردند . در این زد و خورد ها هرچه کتاب ، میز و صندلی و دروپنجره بود از بین رفت . در جلوی در اصلی دانشکده ، در وسط خیابان شاهرضا پلیس از کتک زدن مفضل یکی از دانشجویان به قصد استعمال باطوم شلوار او را پاره کرد . این بیشرمی و سبقت پلیس بحدی بود که عابرین و مردمی که شاهد این صحنه بودند به دخالت و اعتراض شدید دست زده و موفق میشوند از ادامه وحشیگری پلیس جلوگیری کنند .

بدین ترتیب تظاهرات دانشجویان وزد و خورد با پلیس به خیابان کشیده شد و تا ساعت ۱۱ شب ادامه یافت . چهار اتوبوس شرکت واحد باضافه چندین کامیون پلیس انباشته از دانشجویان دختر و پسر مجروح از دانشکده خارج شده ، ولی نه بسوی بیستان رستان ، بلکه بطرف زندانها و شکنجه گاهها . تقریباً چهارصد تا پانصد دانشجویا دستگیر کردند که هنوز از سرنوشت آنان اطلاع دقیقی در دست نیست . از روز بعد پلیس رسماً و علناً در دانشکده مستقر گردید و کامیونهای پلیس جلوی دانشکده ها و کلاسها و دانشکده ها و کلاسها تظلم می باشند بحال آماده باش اند .

روز شنبه ۱۱ اردیبهشت زد و خورد پلیس با دانشجویان در خیابانهای اطراف دانشکده ادامه پیدا میکند و عده ای غیر دانشجویان هم در این زد و خورد علیه پلیس فعالانه شرکت میکنند . دختران دانشجویی با لذت تعریف میگرد ، یک پسر باطوم پلیسی را از سرگرفت ، پلیس میدوید و پسر با باطوم دنبالش . از جمله شعارهایی که در این جریان مبارزه از طرف دانشجویان و مردم شرکت کننده داده میشد : " ای پلیس دست بخون خواهرم آغشته است " - " چون دماوند سرفرازیم ، جان خود در راه خلیق می بازییم " - " بند ها این بند های تنگ را عاقبت فریاد ما خواهد گسست " - " آزادی نفس ها ، ویرانسی نفس ها " . در موقع نزدیک شدن افسران پلیس این شعار داده میشد " مزدور کثیف بی شرافت برو گشو " - " آدم زدی را بسر کن ای سازمان منفسور " .

روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ساعت ۹ صبح دانشجویان دانشکده صنعتی تهران ( آریامهر ) برای همدردی با دانشجویان دانشکده تهران ، کلاسها را تعطیل کردند و از ساعت ۱۰ در محوطه دانشکده جمع شدند . تظاهرات از ده صبح تا یازده و نیم طول کشید . پس از آن دانشجویان برای صرف نهار به سالن غذا خوری رفتند . در ساعت ۱۲ در حالیکه دانشجویان مشغول صرف نهار بودند ، جماعه اران شاه ناکهان بسالین غذا خوری ریختند یک دیک لوبیای داغ را روی سر دانشجویان سرازیر کردند . لباسهای دختران را وحشیانه پاره کردند . ساعت هج و یولهای جیب پسران ، اشیا کیف دانشجویان و بالاخره هر آنچه در دسترس شان بود ، بهیترانه تر و زدیانه تر از هر راهزنی به یغما بردند .

یورش جماعه اران شاه آنچنان بسرعت و ناگهانی صورت گرفت که دانشجویان فرصت دفاع نیافتند . آن عده ای هم که درس داشتند یا در کتابخانه بودند از این حمله وحشیانه مامورین پلیس مصون نماندند . نه تنها دانشجویان ، بلکه حتی استادان نیز شدیدا مضروب و مجروح شدند . از جمله آقای کریمزویان ، استاد دانشکده که بدنش را مجروح کردند .

صحنه دانشکده تهران در اینجا نیز تکرار شد . دو اتوبوس و طبقه شرکت واحد باضافه چند کامیون پلیس انباشته از مجروحین رهسپار زندان گردیدند . در زندان حال برخی از مجروحین بقدری وخیم بوده که میضرب های شاه ناچار میشوند آنها را بسه بیمارستانهای شهرستانی ، زاندرمری و معدودی را نیز به بیمارستان مهر والوند منتقل کنند .

جماعه اران شاه در دانشکده صنعتی تهران ( آریامهر ) جسز تعداد زیادی باطوم شکسته ایکه خون روی آن دلمه شده بود چیز دیگری بجای نگذاشتند . تعداد مجروحین و بازداشت شدگان دانشکده صنعتی بالغ بر ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر میشوند .

دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ، دانشکده اقتصاد دانشکده تهران که محلش را از دانشکده تهران جدا کرده اند ، اعتصاب کرد و تعطیل شد .

دانشکده پلی تکنیک تهران نیز برای همدردی با دانشجویان دانشکده تهران و دانشکده صنعتی تهران ( آریامهر ) اعتصاب کرد و تعطیل شد .

سایر موسسات آموزشی نیز تحت محاصره و کنترل پلیس قرار دارند . مانند دانشسرای عالی ، دانشکده ملی و غیره و غیره .

از دوشنبه ۱۳ اردیبهشت در اکثر چهارراههای تهران یک کامانگار بر از پلیس بحالت آماده باش مستقر شده است .

### دنباله اسنان اعلامیه

#### دانشجویان و روشنفکران مبارز

تقریباً یکماه از تیرباران شدن سیزده نفر از پارتیزانهای رزمنده سیاهکل ، لاهیجان و تهران میگذرد . حکومت شاه امروز درمی یابد که مرگ آنها نیز بانه از زندگیشان برای او خطرناک است درمی یابد که مبارزه مسلحانه ، نه تنها خاموش نمده ، بلکه اکنون رزمندگان با عزمی راسختر و تجربه ای بیشتر با بیسندان گداشته اند تا راه ما را روشن تر کنند و اراده ما را در ناپسود کردن سلطه امپریالیستی امریکا و انگلیس که توسط حکومت شاه نمایندگی میشود ، استوار تر سازند .

جنبش چریکی سیاهکل در تسبیح مبارزه انقلابی ، اکنون چنان نقشی را ایفا میکند که یک دهه مبارزه غیر مسلحانه نمی توانست ایفا کند .

اکنون دشمن دست دراز شده تا سلاح این رزمندگان را بگیرد و بچنگ ادامه دهد . شکست تاکتیکی سیاهکل در رابطه با کسل جنبش انقلابی خلق ما یک شکست استراتژیک برای حکومت شاه و با نقطه عطف تاریخی در مبارزه خلق ما خواهد بود . همانطور که شکست تاکتیکی " چکوارا " ی کبیر اوج گیری مبارزه مسلحانه را در سراسر قاره امریکای لاتین درین دست ، همان طور که شکست فیدل در " مونکادا " انقلاب کوبا را بدنبال آورد ، سیاهکل " مونکادا " ی ایران است ، با این تفاوت که مبارزه مسلحانه در اینجا بدون وقفه ، با نیرو و تجربه بیشتر ادامه می یابد .

بگذرید شاه از خشم فریاد بکنند و ایوژونیست های ورشکسته بسا استفاده از این شکست گذرا و تاکتیکی رجاله وار بر طبل های تسلیم طلبی خود بگویند . اینها در عزم انقلابی چریکی فدائی خلق که باصطلاح مبارزه ( ) مسالمت آمیز را در شرایط دیکتاتوری سفاکانه شاه چیزی جز کله بادامه اسارت خلق نمیدانند ، هیچ گونه تأثیری ندارد .

چریکهای فدائی خلق با حمله به پاسگاه کلانتری فلهک و تصرف مسلسل نگهبان پاسگاه و آتش زدن سردر و انومیلیهای کلانتری ( شنبه ۱۵ فروردین ) و اعدام انقلابی فرسیو خون آشام ( چهارشنبه ۱۸ فروردین ) نشان دادند که مبارزه قهر آمیز تنها راه است و مبارزه مسلحانه ادامه خواهد داشت .

عزیز و جاودان باد خاطره انقلاب بی رزمندگان سیاهکل ناپسود باد سلطه امریکا و انگلیس و سنهای ایروپین ظفر نمون باد همبستگی روشنفکران انقلابی و خلیق موفیق باد جنبش های انقلابی همه خلقهای رزمنده

## مستحکم باد پیوند رزمنده روشنفکران انقلابی

## با جنبش آزادی بخش ملی ایران

# اخبار

## سازره کارگران کارخانه چیت جهان

پنجشنبه ۹ اردیبهشت (۲۹ آوریل) کارگران کارخانه چیت جهان بعثت کار طاقت فرسا و کس دستمزده و فشار و ظلم بی حساب کارفرما، زورگویی و کارشکنی و تهدیدات مداوم مامورین ساواک دست باعصاب زدند و از محل کارخانه که بین کسرج و حصارک است خارج و رهسپار کرج شدند و از آنجا نیز بطرف تهران حرکت کردند.

تعداد کارگرانی که بطرف کرج در حرکت بودند بالغ بر چهارهزار نفر میشد. در کرج مامورین ساواک و ژاندارمری مانع حرکت و پیروی آنها به تهران شدند و این ممانعت سرافراز بود و خورد بین طرفین شده و این زد و خورد تا کاروانسرا سنگی - بیسن کرج و تهران - ادامه داشت. در کاروانسرا سنگی پلیس کارد شهربانی وارد صحنه گردید و کارگران بی سلاح را زیر زور و فشار مسلح گرفت. در فاصله ای کوتاه چند صد نفر کارگر مجروح شدند و سه تن بقتل رسیدند. در روز بعد یعنی روز اول ماه مه ۱۶ نفر دیگر از مجروحین در نتیجه جراحات وارده جان سپردند و بدین ترتیب تا آلتویز تعداد کشته شدگان به ۱۹ نفر بالغ گردید. در روزهای بعد نیز دهه دیگری از مجروح شدگان که تعداد آنها هنوز معلوم نیست به شهادت رسیدند.

### اعتصاب معلمین

روز اول اردیبهشت قرار بود کلیه معلمین تهران و شهرستانها اعتصاب کنند و مقدمات آنرا از یکجا قبل تدارک دیده و فراهم آورده بودند. این مبارزه از یازده فروردین با شروع مدارس بطور غنی گسترش یافت. رژیم و سازمان امنیت از یکطرف مرتب از مساله معلمین و ترفیع آنان سخن میگویند و از طرف دیگر بازداشت و وسیع معلمین را علی میساختند. در همان زمان که روزنامه های ایران مرتب در باره مساله معلمین چیزی می نوشتند سازمان امنیت تا روز اول اردیبهشت تنها از تهران ۱۲۰۰ آموزگار و دبیر را بازداشت کرد. با همه اینها تیره کثیری از معلمین جنوب شهر دست باعصاب زدند. سازمان امنیت ابتدا تلاش کرد معلمین را با تهدید و فشار به کلا سها بفرستد ولی پس از آنکه همه این تلاشها بی ثمر ماند، مامورین پلیس را به داخل مدارس کمیل دادند و برخی از معلمین را زیر فشار سرنیزه به کلا سها بردند و مطمئنی را که حاضر به شکستن اعتصاب نمیشدند بازداشت کرده و روانه زندان کردند. هم اکنون مجموعاً در حدود دوهزار و پانصد نفر از آموزگاران و دبیران در بازداشت بسر میبرند و اکثر مدارس جنوب تهران عملاً تعطیل است.

### در سیستان و بلوچستان

امسال در استان سیستان و بلوچستان و همچنین در جنوب ایران قحطی و گرسنگی بیدار میگردد. در سیستان مردم از گرسنگی مثل بزرگ درخت در پائیز، توی خیابانها و کویچه ها می افتند و مری میزنند.

رژیم شاه جهت هزینه آدن بندگی تهران برای جشن های دوهزار و پانصد ساله بودجه ای مبلغ هشتاد میلیون تومان اختصاص داده است.

رضائی رئیس کارخانجات ایران نورد ( در اهواز ) مبلغ یک میلیون و پانصد هزار تومان برای برگزاری جشنهای دوهزار و پانصد ساله پرداخته است. وزیر دیار نیز در قبال این رشوه برادر او دکتر رضائی را به عضویت هیات مدیره کسرسیمس ایران ( کرمان ) منصوب می نماید.

قتل هفت مسافریک اتومبیل

در روز ۱۷ اردیبهشت در اتوبان کرج یک اتومبیل سواری با هفت نفر سرنشین بعثت عدم توجه به اخطار پلیس زیر آتش مسلسل قرار

میگیرد و هر هفت نفر مسافر آن بقتل میرسند. رژیم ایران و سازمان امنیت پلیس که در اثر ضربات بی درین گروههای مسلح از سایه خود نیز بیمناکند، در نتیجه این بیم و هراس و بدلیل ماهیت ذاتی خود به هر جانی دست میزنند. در حالیکه اقداماتسی نظیر به آتش بستن وحشیانه اتومبیلها و رهگذران، مراقبست ایستگاهها، راهها، و کنترل شدید وسایل نقلیه چه در شهرها و چه در خارج، خود به کسرتده شدن دامنه اعتراض و بالا رفتن خشم و مقاومت عمومی و در نتیجه به اوجگیری مبارزه منتهی خواهد شد.

### توطئه علیه

## حضرت آیت اله خمینی

شاه به عبت تلاش دارد که با مراجعت حضرت آیت اله خمینی - پیشوای بزرگ و مبارز شیعیان جهان به ایران بتواند از فعالیت و مبارزه پر سر و قاطع ایشان علیه دیکتاتوری فاشیستی رژیم و اربابان و حامیان آن جلوگیری کند. این توطئه رژیم شاه به شیوه های گوناگون از نغمه صلح و آشتی گرفته تا تهدید و فشار انجام میگیرد. از جمله اخیراً از یکسوی سرشنسکرت علوی مقدم را مامور "آشتی" میکند و از سوی دیگر به گماشتگان سازمان امنیت ماموریت میدهد که بنام حزب بعثت، تلفنی ایشان را تهدید کند به قتل کنند. بدنبال این تهدید تلفنی، سفارت ایران در بغداد مزورانه به دولت عراق، اعتراض مینماید که چرا از جان آیت اله خمینی محافظت نمیشود. و همزمان با آن شایع میسازند که ایشان در عراق در معرض خطر جانی قرار دارند. رژیم ایران با پنداره های باطل تصور میکند که قادر است چنین مبارز سرسخت و آشتی ناپذیری را از میدان خارج کرده و یا به صلح و آشتی وادار سازد.

اعلامیه اخیر حضرت آیت اله خمینی در باره جشن ۲۵۰۰ ساله جواب دندان شکنی است به این توطئه های رژیم و نشان میدهد که نه توطئه ها و نه تطبیقات و فشارهای رژیم هیچکند نخواهند توانست کوچکترین خللی در مبارزه بی امان ایشان علیه استبداد سعد رضا شاه و طبع سلطه بیگانگان بر مبین ما ایجاد کند. مبارزه ای که بدستی شایسته یک پیشوای عالمگیر و مذهبیب و یک مبارز برجسته و خستگی ناپذیر است.

### در دانشگاه های ایران

در اواخر فروردین اعلامیه ای در باره نفت که در آن بدولت ایران و آمریکا حمله شده بود در دانشگاه تهران پخش گردید. بعد از اعلامیه نفت ده اعلامیه مختلف در باره "جنگهای پارتیزانی شهری" پخش شد. اوایل اردیبهشت در دانشگاه حقوق کمیته ای بنام کمیته اعانه به قحطی زدگان سیستان و بلوچستان و خراسان تشکیل شد. اعضای این کمیته با دانشگاه های دیگر همکاری نزدیک دارند. از جمله اقداماتی که این کمیته انجام داده است انتشار اعلامیه ای است که در آن دولت ایران را بعنوان عامل اصلی قحطی در سیستان و بلوچستان و خراسان مورد حمله قرار میدهد.

اوایل اردیبهشت اعلامیه دیگری علیه استبداد پادشاهی و جشن دوهزار و پانصد ساله پخش گردید.

در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه اول و دوم اردیبهشت دوازده نفر از دانشجویان دانشگاه فنی دانشگاه تهران بجرم همکلاس بودن با حمید اشرف و یکی از نه مبارزی که تحت تعقیب قرار دارند، بوسیله مامورین سازمان امنیت بازداشت میگردند.

دانشجویان دانشگاه فنی بعنوان اعتراض بدستگیری رفقای خود همانروز دست باعصاب زده و بدین ترتیب کلیه کلاسهای دانشگاه تعطیل میشوند. دانشجویان روی تخته سیاه مینویسند: "شرط تشکیل کلاس آزادی دستان است." عصر روز سه شنبه ۷ اردیبهشت دکتر علی اصغر حاج سید جوادی

بعثت دانشجویان دانشگاه فنی يك سخنرانی در باره "بحران ارزشها" در سالن دانشگاه ایراد میکند. در خانه سخنرانی بین حاج سید جوادی و دانشجویان گفتگوی زیر در میگیرد: دانشجویان: چرا با روزنامه کیهان همکاری میکنید؟ حاج سید جوادی: اگر همکاری نمیکردم حالا اینجا نبودم دانشجویان: ولی آل احمد هیچوقت همکاری نکرد حاج سید جوادی سکوت میکند.

دانشجویان: حالا چه باید کرد؟ حاج سید جوادی: خودتان بهتر میدانید چه باید کرد.

دانشجویان: زور را با زور جواب میدهم بعد از این گفتگو دانشجویان حاج سید جوادی را بعثت همکاری با رژیم از سالن اخراج میکنند.

در این موقع یکی از دانشجویان پشت تریبون قرار میگیرد و شمعی در باره شهید ای سیاهگل و بخاطر بزرگداشت خاطره تابناک این روزمندگان قهرمان جنبش آزادی بخشندهای ایران قرائت میکند و پس از آن به خواندن سرود کفدراسیون می پردازد. در این هنگام سه هزار دانشجوی حاضر در سالن (مرکز از دانشجویان دانشگاه تهران، آریا مهر و دانشسرای عالی) بی خاسته و با او مصداق میشوند. مامورین سازمان امنیت در دانشگاه وحشت زده و بلند گورا قطع میکنند ولی دانشجویان همچنان با خواندن سرود و دادن شعار وارد محوطه دانشگاه میشوند. در محوطه دانشگاه گروه کثیری از دانشجویان به جمع آنان پیوسته و تظاهرات دانشجویان هر لحظه دامنه بیشتری بخود میگیرد. دانشجویان در جریان این تظاهرات وسیع در اطراف محوطه دانشگاه برای افتاده و با جمیع کردن مجسمه شاه از لباسهای کهنه و متدورس این مجسمه را در وسط زمانها قرار داده و آتش زدند. طنین صدای شعارها و سرودهای دانشجویان تنها داخل بلکه خیابانهای اطراف را نیز پر کرد. دانشجویان شعار میدادند:

"زنده بجهان هستم، با من و وفا پیوستم و آزاد سازم یستارتم را و آزاد سازم ایرانم را" - "فرسویمرگت مبارک" - "پیروز باد نهضت خلق، ناپود باد دشمن خلق" - "بریا، بریا ای هموطن، یارانت شدند گلگون کن، زندانها گشته پراز یساران، سرها گشته دور از بدن" - "بریا، بریا ای کارگر، رستاخیز آغاز شد" - "بر آغاز شد" - "بریا بریا، ای کشاورز، رستاخیز آغاز شد" - "بر یا همنای هموطن، رستاخیز آغاز شد" - "ملت گرسنه جشن دوهزار و پانصد ساله نمیخواهد" - "یاران خوب ما را اعسندام کرد و مزدور" - "تا مرگ این دیکتاتور نهضت ادامه دارد" - "ملت جشن نمیخواهد، ملت نان میخواهد" - "درود ملت ایران مبارزان جنگل" - "ما فرسویها را میکشیم".

دانشگاه از ساعت ۸ در محاصره پلیس بود، اما تظاهرات همچنان تا ساعت ۱۰ ادامه داشت. در آتشب و در روز بعد در حنده و سی نفر از دانشجویان بازداشت شدند.

روز پنجشنبه نهم اردیبهشت مقامات دانشگاه باصلاح تعطیل دانشگاه فنی را اعلام کردند ولی دانشگاه کماکان در محاصره شدیدی پلیس کارشهربانی بود و این محاصره تا شنبه شب یازدهم اردیبهشت ادامه داشت. در این شب نزدیک به ساعت هشت یورش پلیس به داخل دانشگاه شروع شد و این در زمانی بود که تظاهرات در داخل محوطه دانشگاه و طنین شعارهای دانش جوان هرچه بیشتر توجه عابرین خیابان شاهرضا را بخود جلب میکرد. پلیس وحشیانه به دانشجویان یورش برده و دانشگاه را اشغال نمود. پسرها را به قصد کشت با باتوم و لگدمیزند و دخترها را نیز مورد حمله قرار داده لباسشان را از نشان در آورده و باره میگردند و سپس آنها را با قساوت سبعانه بزیر چکمه و ضربات باتوم گرفته و همینکه خونین و بیهوش بر زمین میافتادند به داخل کامیونها پرتاب میگردند. افراد پلیس حتی به چند کلاس از دانشگاه ادبیات و حقوق که مشغول در شان بودند ناگهان حمله ور شدند. پس از شکستن در و پنجره و شیشه های این دو دانشگاه به کلاسها ریختند و بقیه در صفحه ۴

# افتخار بر شهیدان کارخانه چیت جهان رزمندگان آگاه جنبش کارگری ایران

# اسناد

در این ستون ما اعلامیه ها ، اسناد و مستندات گروههای فعال جنبش آزادی بخش ملی را بجا میسرانیم . پس از حادثه سیاهگل تاکنون دهها اعلامیه در رابطه با این مبارزه در تهران و شهرستانها چاپ و پخش شده است . ما در این شماره پس از درج اولین اعلامیه جنبش آزادی بخش ملی ایران ، چند اعلامیه ای در دو هفته اخیر در ایران پخش شده است چاپ میکنیم .

## اعلامیه

### جنبش سیاهگل و رزمندگان قهرمانش را بشناسید

جنبش سیاهگل توسط کسانی شروع شد که عاشق مردم ستمکوبه ایران بودند . آنها بدستری راه نجات مردم را پیدا کردند و در این راه جان خود را فدای خلق نمودند . آنان برای دهها نانی می جنگیدند که کمرشان زیر فشار قرض بانکها خم شده و همواره زیر ستم حکومت و ارتش شاه قرار دارند . آنان بخاطر کارگرانی مبارزه میکردند که سرمایه داران بیگانه و ابادی ایرانی آنها در کارخانه ها شیره جانشان را می مکند . آنان بخاطر خلقی نبودند که اسیر جنگل امریکا و انگلیس و نوکر ایرانی آنها شاه هستند .

آنها با بدل جان خود نشان دادند که فرزند خلف مردم رنج دیده ما هستند . دشمن بیپوده سعی میکند که مهر آنها را از دل خلق بیرون کند .

شرح حال یکی از این رزمندگان قهرمان کافی است تا حکومت شاه را بیش از پیش بی آبرو کند .

رزمنده قهرمان ، طی اکتبر فداشایی فراهانی که فرماندهی چریکهای سیاهگل را بر عهده داشت و بدست جلادان شاه تیرباران شد . معلمی بود که دانش آموزان ساری هیچگاه نامش را فراموش نمی کنند .

او در سال ۱۳۴۷ به فلسطین رفت و دوشادوش فدائیان فلسطینی با ارتش اسرائیل به نبرد پرداخت . او را در سازمان " الفتنح " بنام " ابو عباس " می شناسند . طی مدت کوتاهی او در آنجا فرماندهی یک گروه هشت نفری از فدائیان فلسطینی را بر عهده داشت . شجاعت و قهرمانی او باعث شده تا فرماندهی چهل نفر منصوب شود و سپس ارتش آزادی بخش فلسطین او را بفرماندهی ۱۵۰ تن از چریکهای فلسطینی انتخاب نمود . پس از یکسال مبارزه دلیرانه دوشادوش خلق رزمنده فلسطین با مفاخر کمی سلاح و مهمات که هدیه فدائیان فلسطینی برای فرزندان انقلابی مپهن ما بود ، به یاریان بازگشت . او و یارانش ششماه تمام جنگهای شمال ایران را شناسایی کردند ، و بدینگونه دشمن بتواند کمترین رذ پایانی از آنها بدست آورد . سپس به همراه یاران قهرمان خود جنگ چریکی دست زد ، اکنون شاه بیگانه پرست این رزمنده فدائی ، این برادر شجاع همه رزیدگان فلسطینی را قاتل و عامل بیگانه میخواند .

آری ، نزد شاه ، اربابان امریکائی و انگلیسی خودی هستند و فرزندان انقلابی خلق ما عامل بیگانه اند .

قتل عام مردم رنجبر ایران ، بهمان مردم غیر نظامی دهات ایران برای شاه حفظ امنیت است ، اما دفاع چریکهای فدائی از حقوق پایمال شده خلق ایران قتل و جنایت محسوب میشود .

رزمندگان قهرمان سیاهگل بدون شك ما با مبارزه مسلحانه خود خاطره شما را عزیز و جاودان خواهیم داشت .

سلام بر پانزده شهید قهرمان سیاهگل درود بر چریکهای شهری و روستائی سراسر کشور

افتخار بر فدائیان فلسطینی

ننگ و نغمه بر شاه ، این سنگ زنجیری امریکا ، انگلیس و اسرائیل

## اعلامیه چرا فرسیو اعدام شد

بدنبال اعدام انقلابی فرسیو ، حکومت شاه که از وحشت و خشم به لرزه افتاده ، بیک بازی تبلیغاتی دست زده است . دستگاههای تبلیغاتی شاه بلكه دستگاههای تبلیغاتی تسلیم طلبان ورشکسته تأکید میکنند ، که کشتن فرسیو بیک تور فری است و اضافه میکنند که رهبران انقلابی جهان ترور فرود را تقبیح کرده اند . شاه که خود در راس باند جنایتکاران مزدور امریکا و انگلیس قرار دارد ، اکنون به رهبران انقلابی استناد می جوید تا با این چپ نمائی مسخره ، توده ها را فریب دهد و از تاثیر نگاندهنده اعدام انقلابی فرسیو بر ذهن آنان کم کند ، و جنایت بعدیش را توجیه نماید .

واکسون توضیح چریکهای فدائیس خلق : کشتن فرسیو یک تور فری نبود و ما آنقدر کوتاه فکر نیستیم که خیال کنیم با از بین بردن چنین مهره هائیس میتوان به تسلط امپریالیسم امریکا و انگلیس خاتمه داد . کشتن فرسیو تنها جوابی بود ، که میتوانستیم به قانون شکنی حکومت شاه بدیم . سیزده تن انقلابی رزمنده سیاهگل برای مردم و بخاطر نجات ایران از قید اسارت بیگانه جنگیدند اما دادگاههای فرمایشی نظامی شاه آنها را در یک چشم بهم زدن " محاکمه " کرد و به تیرباران محکوم نمود . حکم اعدام این رزمندگان فدائی خلق توسط دادستان و رئیس دادرسی ارتش شاه اضافه شد . این محاکمه و این حکم سراسر غیر قانونی و ضد خلقی بود . فرسیو میبایست توسط مردم محاکمه شود و بسزای عمل تنگنکن خود برسد . ولی آنها مردم ما می نوانستند از حکومت شاه بخواهند ، که فرسیو را بدادگاه انقلابی بکشاند ؟ آیا تنها اظهار چنین مطلبی کافی نبود تا گوینده اش را تیرباران کنند ؟ بر همین اساس حکم اعدام انقلابی در صبح چهارشنبه ۱۸ فروردین بدست یگسته از چریکهای فدائی اجرا گردید .

پیروز یار جنبش چریکی خلق ما ، نابود باد سلطه دردمشانه شاه نوکر دست بسینه اربابان امریکائی و انگلیسی ! عزیز و جاودان باد خاطره پانزده شهید رزمنده سیاهگل !

## اعلامیه - بانک ها چرا و بدست چه کسانی مصادره میشود

بانکها موسسات عظیم نرولخواری هستند ، که محصول رنج و مشقت مردم زحمتکش را از دست آنان میکند و سرانجام بخلک سیاهشان میشانند . پولهاییکه در این موسسات جمع شده است از آن مردم است . از سوی دیگر مبارزه چریکی نیازمند بیهای مالی فراوانی دارد . این نیازمندیها جز از راه مصادره انقلابی نمیتوانند برطرف شوند ، یعنی ما هرآنچه لازم داشته باشیم بزور از دشمن خویش ( سرمایه داران بیگانه و عاملین ایرانی آنان ) میکیم . آیا این عمل را میتوان سرقت نامید ؟ خیر ! زیرا سارقین بخاطر منافع شخصی دست به عمل میزنند و برایشان فرق نمیکند که چه کسی از عمل آنان لطمه می بیند . آنها حتی هندیگر را بخاطر یک مشت پول میکشند . حال آنکه برای چریکها ، که با از جان گذشتگی در راه آرمان مقدس آزادی مبارزه میکنند به دفاع مسلحانه از حقوق خلق زحمتکش برخاسته اند چیزی بی نام منافع فردی وجود ندارد . آنها همچنین تلاش دارند که بهیچ کس از افراد مردم لطمه وارد نیاید . آنچه مهم است ماهیت یک عمل است . مسلمانان اولیه بکاروانبهای تجار مکه شیخون میزدند تا نیازهای نهضت را برآورند . ولی تاریخ از این مبارزات شجاعانه هرگز بعنوان قتل و غارت نام نمی برد . افتخار بر چریکهای دلآوری که محصول رنج و مشقت خلق را از گلوئی گزگهای خونخوار بیرون میکنند و آنگرا پشتوانه پیشرفت مبارزه آزادی بخش قرار میدهند .

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است !

## اعلامیه

### چگونه میتوان در مبارزه مسلحانه شرکت کرد

### و چگونه میتوان به پلیس ضربه زد

رنگ یا دوده که مقداری روغن موتور آتشته است روی دیوارها شعار انقلابی نوشت . میتوان روی مقوا شعارهای انقلابی نوشت ، از این مقوا یک نخ محکم رد کرد و به سر دیگر یک تک سنگ وصل کرد و سپس آنرا بروی سیم های برق انداخت میتوان با نامه و تلفن به پلیس اطلاعات دروین داد که ضمناً مزاحم کار چریکها نیز نمی شود . و از اینراه اعصاب پلیس را خودکزه میتوان به خاتمین شناخته شده کچک و بزرگ و همکاری کنندگان با پلیس نامه نوشت ، خیانت آنها را محکوم کرد ، انزجار خود را نشان داد و عواقب خیانت و همکاریشان را به آنها گوشزد نمود . هرکسی با حد اقل امکان و ارتباطی تواند همه این کارها را و دهها فعالیت دیگر از این نوع را انجام دهد و باین وسیله در مبارزه مسلحانه رهائی بخش شرکت نماید .

تنگ بر شاهی که پایه حکومت خود را بر قس و شکجه عزیز ترین فرزندان ما گذاشته است . افتخار بر کسانی که در حده خود بد مبارزه مسلحانه رهائیس بخش کمک میکنند

همه میتوانند در مبارزه رهائی بخشی که شروع شده با حد اقل امکان و ارتباط شرکت کنند . کارهای کوچک وقتی جمع میشوند تاثیرات بزرگ برجای میگذارند و خود نیز به تجربه کارهای بزرگ بعدی تبدیل میشوند . چه کارهایی میتوان انجام داد ؟ میتوان با تهیه یک بطری تقریباً نازک یک لیتری که در آن نزدیک به سه چهارم لیتر بنزین و یک چهارم لیتر روغن موتور ریخته شده و دهانه بطری با یک قتیله پارچه ای که قسمی از آن در داخل بطری و قسمی در خارج قرار دارد یک کوکل مولوتف ساده درست کرد و با آتش زدن قتیله و پرتاب آن به زیر یا به داخل ماشین پلیس ، ماشین را نابود ساخت . میتوان با قرار دادن میخهای چند پرزیز لاستیکهای ماشین آنرا پنجر کرد و یا با چاقسو آنرا درید . میتوان با قرار دادن ترفه های پرصدا زیر لاستیک های ماشین ، اعصاب پلیس را فرسوده ساخت و یا با چاقسو لاستیکهای آنرا درید . میتوان با ریختن مقداری شن ریزه و یا شکر در مخزن بنزین ماشین آنها را از حرکت انداخت ، می توان اعلامیه انقلابی نوشت و بطرق مختلف پخش نمود . میتوان با

## درود بر چریک های شهری و روستائی

بقیه اسناد در صفحه ۴